



روزگار، فلسفه و شعر خیام

تألیف محمدرضا قنبری

چشم آورده با تاکیدهای بیابانی آن را در قلمرو ذهن نهاده کرده است. در حقیقت مرگ، دستمایه اصلی اندیشه خیام برای توجه به جوهر هستی و استفاده درست از آن در نشئه این جهانی است.

رباعیات خیام از بی استیاری کار جهان روایت می کند تا نسبی بر پاپان کار آدمی است که دل بستگی او را به این جهان نهایتی نیست. اندوھی شگرف که حاصل تدبیر در کار گیتی و کسبی و آفرین است. تدبیری که از آتشخورد حکمت آدمی می خورد. همان حکمتی که خیام را شایسته عنوان حکیمه کرده است. حافظ را خیامی دیگر خوانده اند. اما آیا براستی حافظ خیامی دیگر است؟ در پاسخ به این سؤال می توان گفت از حیث جوهر اندیشه، مشابهت های فراوانی بین اشعار خیام و سروده های حافظ دریاقتی است. مقوله هایی مانند نانوائی و عجز بشر از فریافت چگونگی هستی، بهره وری از وقت در فرصت بی تکرار، مقهور سرنوشت از ای ویدی بودن انسان، بی حاصلی بی روزی زندگانی و مانند آن در ششوا واحد بیرونی می کنند، اما از منظر نگاه به جهان هستی و شیوه بیان، مشابهت ها در سخن خیام و حافظ دچار نوعی رنگ باختگی است. صراحت شجاعتی که در رباعیات توغی می زند در سخن حافظ را در توصی ایهام از پیش تقاضا شده است. شعر حافظ در مدار ایهام و ایام است. ایهامی که بدون تردید زاید شرایط روزگار حافظ و تا حدودی مینای فکری و عقیدتی اوست. تأثیر خیام بر شاعران و حتی فلاسفه پس از خود تأثیر شگرف است. معجزه بزرگ خیام آن است که به اصحاب فکر و فرهنگ جرات اندیشیدن داد و به بشمار آفران آن را از حصارهای گوناگون ذهنی و اجتماعی رهایی بخشید.

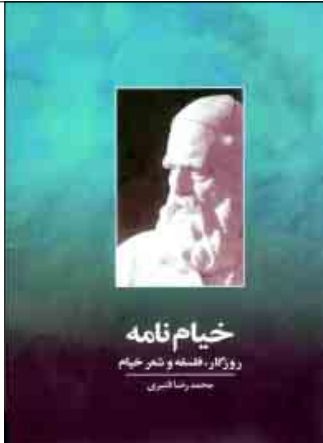
به تعبیر نگارنده حافظ را می توان همانند بازگویی دانست که در نقدینه خیام تجارت می کند یعنی در حقیقت این مضامین خیامانه است که دستمایه سخن پردازی حافظ است.

تحلیلگران دربار اقبال جهانی خیام بسیار قلمفرسایی کرده اند. برخی آن را نتیجه بیامدهای جنگ های اروپا دانسته اند و برخی دیگر آن را پناهگاهی برای آرام و دردهای روحی و ذهنی مردمی که به شمار آورده اند که از خوشنویس شمشاد آنگه بودند. صرف نظر از همه این تحلیل ها رباعیات خیام حامل حقیقتی بود که این گرایش جهانی را رقم زد. فیتر جراد از آن جهت خصوصیات ففاری، مردی وارسته و خوشنویس و مستشرق در ادبیات توصیف کرده اند که می توانست نمونه غریبی خیام به شمار آید. آنچه مسلم است با تحولاتی که از دوپست سال پیش در اروپا پدید آمد مغرب در انتظار مسافری بود که با حله شعرى سرشار از فلسفه، بر برهنگی روحی و ذهنی مردمی که با حقیقت خویش درگیر بودند لباسی در خور بپوشاند. آن که با تاز جبهه فیتر جراد از شعر درخشان سوادت بیفرت، ترجمه ای که نگرش غرب را نسبت به ادبیات شرقی دگرگون کرد. خیام برای غریبان به منزله ناجی دیگری چون عیسی مسیح (ع) بود.

که نام آن چونندگی است. صمیمیتی که در شعر خیام رخ می نماید به راستی نادر است. او بر خلاف حافظ پرده را در همین جهان برافکنده است. برنارد لوئیس از برجسته ترین محققان تاریخ و عقاید اسماعیلیه، آثار ابوالعلا مری و خیام و متأثر از ادبیات اسماعیلیه می داند: تأثیر ادبیات اسماعیلیه در قلمرو فکر و فرهنگ تا جایی است که می توان گفت اساساً شعر و فلسفه بسیاری از بزرگان شعر و ادب همانند ابویوبت متنبی (۲۰۳-۲۵۴ هجری/ ۹۶۵-۹۱۵ م)، ابوالعلا مری (۲۴۴-۲۶۴ هجری/ ۱۰۵۸-۹۷۳ م)، ناصر خسرو علوی (۲۸۱-۲۹۶ هجری/ ۱۰۰۴-۹۱۰ م)، بدون دست یافتنی است.

حقیقت آن است که فلسفه خیام در بهره جویی از وقت، فلسفه ای غلغلی است که جوهره اصلی آن اعتدال و میانه روی است آن چنان که فلسفه ایپیکور نیز در واقع ریشه این چنین بوده است. اخلاقی ایپیکوری اگر چه لذت انگاری (hedonism) را اصل قرار داد، اما مراد آن چنان لذتی بوده است که با صفت غلغلیت همراه بود، مفتاح زندگی توأم با سعادت قرار گیرد.

از نظر حکمت سیاسی نیز خیام جهان را بر منبج عدل نمی داند و آرزوی می کند که ای کاش تسلسلی برای وی همانند خدایان میبود تا بتواند از آن گان را به کام دل برساند و کار فلک را به عدل سنجیده کند. در نهایت خیام انسان را شاد، آزاد و شریف می خواهد که تنها عشق گزینش از صافی خرد و فهم عمیق از چگونگی کار جهان می تواند این شادی، آزادگی و شرافت را به او ارزانی دارد. از منظر خیام راه دیگری وجود ندارد. بشمار آیزه یوزشگرگان خیام را حکیم بدبین نامیده اند که نگارنده مایه ای در این سخن نمی بیند. تأکید همواره بر قنایبیری انسان، نشان از حقیقت بینی دارد نه تیره بینی و انگهی تأکیدی است که ریشه قرآنی دارد. خدایوند نیز همواره در مقام انداز و سنجار از مرگ یاد کرده و قدرت بی چون و چواری او را ستوده است. خیام همواره عبرت خویش را شجاعتی بی نظیر در قنایبیری آدمی را روایت کرده است. همواره یادگانی، استوده، اما رسیند به آن را در نشئه هستی خالیدی، امری عبث دانسته و برای رعایت و علاج این آفوده سترگ، راهی جز افتنم از فرصت و غمی در پناه خویش زبشن و آفوده را به کناری سترگ نهادن نیافته است و همزمان سرنوشت متعوم و سرگشتگی و عجز بشر را فرآ



روایت ها حاکی از آن است که تا مدت بالنسبه درازی خیام شاعری به رباعیات نداشتند و به بخارا و بلخ و سرخس و به روانی به بغداد و دیگر همه عمر را به تدبیر در علوم عقلی و فلسفی گذراند و خستگی ناشی از این اشتغالات را با سرودن رباعیات زدود. اگر چه شهرتی که از سرودن همین اشعار پیدا کرد به هیچ روی قابل مقایسه با تأملات فلسفی و علمی وی نیست. رباعیاتی که نشانگر همین اشعار پیدا کرده و دیدگاه فکری اوست، زیرا که نشانگر دستگاه فلسفی و دیدگاه فکری اوست، زیرا که نشانگر همین سروده ها نسبت به آرای فلاسفه مشهور اعتراض کرده و اعتقادات آنان را به نقد و دآوری نسته است. افتتاح نظامیه نیشابور همزمان است با روزگار جوانی خیام، نظامیه ای که به ظن فرد خیام در آن درس خوانده و درس گفته است. به نظر می رسد برای فهم حقیقی مضامین رباعیات باید روزگار خیام را به درستی از نظر گذرانید. روزگاری که در آن کسان سلجوقی حاکمان روزگارند. مردمی که به کلی با نوشتن و کتابت بیگانه اند و از فضل و ادب بی بهره. مردمی که تنها از باب تظاهر به شریعت و مقابله با شعوین زبان تازی را ازج می گذارند. اقوامی بیاینگرد که مزدوری خلفای عباسی را اختیار خود می دانند. زمان رخسار خویشی است. سکوت تضمین آینده ای توأم با آرزوست. برای حاکمان یک کینه مطوع بهتر از سبقت فرزند است. مورخان که گونه هایی از زندگی خیام را روایت کرده اند سببای مردی را تصویر کرده اند که از احترامی در خور پروردار بوده چنانکه ملکشاه، سلطان مستندر سلجوقی همواره وی را نزد خود می نشاند یعنی جایی که می توانست بنشیند که تنها خواجه نظام الملک که به روایت تاریخ نویسان خود را با ملکشاه در سلطنت شریک می دانست. او هم خواجه نظام الملکی که تاج الحضرتی نامیده می شود. سخت گیری مثال نظام الملک در امر مذهب و نابود کردن رافضیان و باطنیان و فرقه های و شافعیان و ... که صرف ضلع عقاید همه اینها را در سیاست نامی خود آورده دلیل محکم دیگری است که خیام نمی توانست در شرایط مذکور یک سر موی برتر پرد و اصلاً سخنی بگوید که هم به عقاید مذهب مختار محض (شافعی) معاریت داشته و هم با اساس شریعت مغایر باشد! روزگاری که انسان آن احتمال سخن و عزالی را نمی کند که خود از بزرگان مخالف فلسفه و عقلی گری است چه رسد به خیام که دلیل اصلی و اساسی ایهام یعنی فلسفه را چونان صلیبی بر دوش می کشد.

روایت ها حاکی از آن است که تا مدت بالنسبه درازی خیام شاعری به رباعیات نداشتند و به بخارا و بلخ و سرخس و به روانی به بغداد و دیگر همه عمر را به تدبیر در علوم عقلی و فلسفی گذراند و خستگی ناشی از این اشتغالات را با سرودن رباعیات زدود. اگر چه شهرتی که از سرودن همین اشعار پیدا کرده و دیدگاه فکری اوست، زیرا که نشانگر همین سروده ها نسبت به آرای فلاسفه مشهور اعتراض کرده و اعتقادات آنان را به نقد و دآوری نسته است.

افتتاح نظامیه نیشابور همزمان است با روزگار جوانی خیام، نظامیه ای که به ظن فرد خیام در آن درس خوانده و درس گفته است. به نظر می رسد برای فهم حقیقی مضامین رباعیات باید روزگار خیام را به درستی از نظر گذرانید. روزگاری که در آن کسان سلجوقی حاکمان روزگارند. مردمی که به کلی با نوشتن و کتابت بیگانه اند و از فضل و ادب بی بهره. مردمی که تنها از باب تظاهر به شریعت و مقابله با شعوین زبان تازی را ازج می گذارند. اقوامی بیاینگرد که مزدوری خلفای عباسی را اختیار خود می دانند. زمان رخسار خویشی است. سکوت تضمین آینده ای توأم با آرزوست. برای حاکمان یک کینه مطوع بهتر از سبقت فرزند است. مورخان که گونه هایی از زندگی خیام را روایت کرده اند سببای مردی را تصویر کرده اند که از احترامی در خور پروردار بوده چنانکه ملکشاه، سلطان مستندر سلجوقی همواره وی را نزد خود می نشاند یعنی جایی که می توانست بنشیند که تنها خواجه نظام الملک که به روایت تاریخ نویسان خود را با ملکشاه در سلطنت شریک می دانست. او هم خواجه نظام الملکی که تاج الحضرتی نامیده می شود. سخت گیری مثال نظام الملک در امر مذهب و نابود کردن رافضیان و باطنیان و فرقه های و شافعیان و ... که صرف ضلع عقاید همه اینها را در سیاست نامی خود آورده دلیل محکم دیگری است که خیام نمی توانست در شرایط مذکور یک سر موی برتر پرد و اصلاً سخنی بگوید که هم به عقاید مذهب مختار محض (شافعی) معاریت داشته و هم با اساس شریعت مغایر باشد! روزگاری که انسان آن احتمال سخن و عزالی را نمی کند که خود از بزرگان مخالف فلسفه و عقلی گری است چه رسد به خیام که دلیل اصلی و اساسی ایهام یعنی فلسفه را چونان صلیبی بر دوش می کشد.

کتاب خیام نامه نوشته محمدرضا قنبری از پژوهشگران حوزه ادبیات کشور است که در بیست و پنج فصل نگارش یافته و نگارنده در ابعاد زندگی، روزگار، فلسفه و شعر خیام به جست و جوی در داخه است. تاکنون شصت و یک مجلد و در عین حال شگفت آور خیام، در گستر تحقیقات وسیعی از سوی دانشوران ایرانی و خارجی قرار گرفته است، اما می توان گفت پژوهشی با این جامعیت درباره خیام در سال های اخیر که سابقه بوده است، مؤلف با دانش وسیعی که در حوزه ادبیات قدیم و جدید دارد، به تنگنوی از عمده کار برآمده و مایه خوشنودی دموستاران حکیم نیشابور شده است.

در کتاب خیام نامه از شعر و فلسفه و دانش خیام با دقتی کم نظیر سخن می رود و با اکتفا به منابع دقیق و دست اول فارسی، عربی و انگلیسی ابعاد شخصیت وجودی خیام به صورتی شفاف و روشن در منظر اهل تحقیق قرار می گیرد. کتاب با آخرین روش های تحقیق سبازگار و از فهرست ها و تصاویر از زندگی او برخوردار است. همچنین نویسنده در ابتکاری تازه، بشمارگان نامشانی را در ایران و جهان آرج گذارده، شعر عری خیامی خلاصه از همه فعالیت های پژوهشی آنان عرضه می کند. بر گردان چکیده کتاب با انگلیسی از دیگر امتیازات پژوهشی حاضر است. خیام نامه در ۶۵۲ صفحه از سوی انتشارات زوار به بازار نشر عرضه شده است. برخی از عناوین فصل هاست و پنج کتاب خیام نامه به شرح زیر است:

روزگار خیام / ذکر رحیل نیشابور / خیام دانشمند / قالب رباعی / شعر فلسفی / خیام و لادریون / خیام و صوفیه / خیام در باغ زندگی / خیام و سرائی زندگان / خیام رباعی حکمت زدایی / خیام و فردوسی / حافظ / خیام / سعیدی و ابوالعلا مری و ... روزنامه ایران توقیف انجام کاری این چنین از رشدن را به مؤلف دانشمند آن تبریک می گوید. قسمت هایی از کتاب خیام نامه را در نظر می گذاریم:

روزگار، فلسفه و شعر خیام
غیاث الدین ابوالمعینی (ابومعینی) حکیم عمر خیم نیشابوری (۵۲۷ - ۴۲۴ ه ق / ۱۱۴۲ - ۱۰۵۹ م) در روزگار سلجوقیان (۵۹۰ - ۴۲۹ ه ق / ۱۲۰۲ - ۱۰۴۴ م) یعنی یکی از درخشان ترین دوره های تاریخ ایران از حیث ظهور نواع و بزرگان علم و اندیشه، می زیست. او که معاصر تاریخ ارسال (۴۶۵ - ۴۵۰ ه ق / ۱۰۶۲ - ۱۰۷۲ م) و ملکشاه سلجوقی (۴۸۵ - ۴۶۵ ه ق / ۱۰۹۲ - ۱۰۷۲ م) بود، زنج جلالی و تقویم ملکشاهی

آگهی مزایده (۸۴-۰۳)

شرکت ایران خودرو دیزل در نظر دارد ارقام مزاد و ضایعاتی مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

۱. جدول الف:

ردیف	شرح کالا	مقدار تقریبی	معیار
۱	انواع لوازم خودرو ضایعاتی	۲۵۰	پالت
۲	انواع پروقیل آهنی مستطیلی مزاد	۲۱۷۵۰۰	کیلوگرم
۳	انواع لوله برنجی رادیاتور مزاد ۷×۱/۵	۹۴۹۰۰	کیلوگرم
۴	انواع قطعات آهنی برش خورده خودرو مزاد	۶۰۰۰۰۰	کیلوگرم
۵	انواع قطعات آلومینیومی برش خورده خودرو مزاد	۴۰۰۰۰	کیلوگرم
۶	انواع باتری مستعمل	۱۵۰۰	عدد
۷	فلزین نشت ثابت	یک دستگاه	عدد ۵۲۰۰۰

۲. جدول ب:

ردیف	شرح کالا	مقدار تقریبی	معیار
۱	آهن آلات ذوبی ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۲	آهن آلات درجه دو ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۳	ورق ذم فیچی درجه یک ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۴	آهن آلات فرایضه سفت پار ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۵	انواع آلومینیوم نرم و خشک ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۶	انواع قلع و سرب ضایعاتی	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم
۷	آهن آلات سنگین پار	جمع آوری تولید روزانه	کیلوگرم

از متقاضیان دعوت می شود از تاریخ درج آگهی همه روزه به مدت ۵ روز بجز تعطیلات رسمی از ساعت ۹ تا ۱۲ به نشانی تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه شرکت ایران خودرو دیزل، درب شماره ۳ مراجعه و ضمن رویت از موارد ذکر شده برگ شرایط شرکت در مزایده را دریافت نمایند. شرکت ایران خودرو دیزل در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادهای واصله مجاز و مغتار بوده و متقاضیان حق هیچگونه اعتراضی را نخواهند داشت.

روابط عمومی و امور بین الملل
شرکت ایران خودرو دیزل

آگهی مزایده (۸۴-۰۴)

شرکت ایران خودرو دیزل در نظر دارد، تعداد ۱۷ دستگاه انواع سواری مستعمل و مزاد خود را به شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:

ردیف	نوع خودرو	مدل	تعداد
۱	سواری پژو ۵۰۵	۷۴	یک دستگاه
۲	سواری پژو ۴۰۵	۷۷	دو دستگاه
۳	سواری پژو RD	۸۰ و ۷۹	دو دستگاه
۴	سواری پاترول	۷۵	سه دستگاه
۵	سواری پاترول	۶۶	یک دستگاه
۶	سواری پراید	۷۵	یک دستگاه
۷	سواری پیکان	۷۷	یک دستگاه
۸	پیکان وانت	۷۷	یک دستگاه
۹	اتوبوس ۳۰۲	۶۹	سه دستگاه
۱۰	اتوبوس C457	۸۰	دو دستگاه

از متقاضیان دعوت می شود از تاریخ درج آگهی همه روزه به مدت ۵ روز بجز تعطیلات رسمی از ساعت ۹ تا ۱۲ به نشانی تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه شرکت ایران خودرو دیزل، درب شماره ۳ مراجعه و ضمن رویت از موارد ذکر شده برگ شرایط شرکت در مزایده را دریافت نمایند. شرکت ایران خودرو دیزل در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادهای واصله مجاز و مختار بوده و متقاضیان حق هیچگونه اعتراضی را نخواهند داشت.

روابط عمومی و امور بین الملل
شرکت ایران خودرو دیزل